

نوروز در منظومه فقهی احناف

"نگاهی به موقف وزارت اوقاف گروه طالبان در باب نوروز"

خواجه بشیر احمد انصاری

وزارت حج و اوقاف طالبان چهار روز پیش از نوروز نامه‌ای را به تمامی امامان و خطیبان مساجد فرستاده و در آن گفته است: «نوروز، رسم و رواج و عید فارسیان است. و روافض این را بخاطری تجلیل می‌کنند که به گمان آن‌ها عثمان بن عفان «رض» در این روز به شهادت رسیده، و خلافت به علی «ک» منتقل شده است».

پیش از آن که به اصل مسئله بپردازم لازم می‌دانم بگویم که چطور ممکن است اقلیتی که خود شان را دولت رسمی کشور می‌دانند، بیایند و یک گروه از ساکنان کشور را به نام فارسیان تکفیر نموده و گروه دیگری را به نام روافض. اما آن چه مایه حیرت بیش تر من می‌شود، چطور ممکن است جماعتی از همین «فارسیان» و همین «روافض» بروند و زبان در کفش‌های آلوده و خونین این آدم‌کشان بیگانه با فرهنگ و هویت و زمان و زمینه بسایند، بدون آن که عرقی بر جبین شان نقش بندد؟!

همان طوری که معلوم است طالبان خود را نمایندگان اصیل مذهب حنفی دانسته و در این راه تا جایی پیش رفته اند که طبق شواهد، گروهی از ملاهای سلفی را در افغانستان و پاکستان ترور نموده اند.

در این چهل سال اخیر ایدئولوژی‌های مختلفی در پای جنگ‌های نیابتی و خدمت به استراتژی‌های گوناگونی به گند آلوده شده اند و حالا نوبت به فقه و مکتب حنفی رسیده است تا در این کارزار قربانی گردد. بیرون کشیدن فتوای تکفیر منشانه، بی سند و شاذ فقهای نه چندان مهم حنفی از زیر انبار حواشی حواشی حواشی کتب فقهی در جهت تحریم نوروز و تکفیر تجلیل‌گران آن یکی از این نمونه‌ها به شمار می‌رود که این فتواها هم با تاریخ زندگی مجتهدان بزرگ احناف و موافق شان در پیوند به نوروز بیگانه بوده و هم با سرشت این مذهب و اصول اجتهادی آن.

در اینجا کوشش خواهیم نمود که حنفی بودن این جماعت بیگانه با ساخت تمدنی و فرهنگی افغانستان را در میزان نوروز سنجیده و در نتیجه صدق و کذب این ادعا را بر ملا سازیم.

۱. سخن نخست این که «فارس» نام کدام دین نه بل که نام منطقه‌ای در گذشته‌های نه چندان دور بوده است. فارسیان در میان خویش هم یهودی و مسیحی داشته اند، هم زردشتی و هم مسلمان که سلمان فارسی و حدود هشتاد تن از یاران پیامبر از نمونه‌های این رنگین کمان به شمار می‌رود. سخن دیگر این که خانواده امام ابوحنیفه که آدم‌کشان فرهنگ ستیز در کشور ما بنام نامی او طبل دیانت می‌کوبند، خود شان را از جمع همین «فارسیان» می‌نامیدند. محدث بزرگ جمال الدین المزی، در کتاب معروف خویش «تهذیب الکمال فی أسماء الرجال» از زبان اسماعیل فرزند حماد، فرزند امام ابی حنیفه چنین روایت می‌کند: «من اسماعیل فرزند حماد فرزند ابوحنیفه از سلاله فرزندان آزاده فارس می‌باشم و قسم بخداست که ما هیچگاهی برده کسی نبوده ایم».

۲. کهن ترین روایتی که از خانواده امام ابوحنیفه در دست داریم، با نوروز پیوند داشته است. امام بخاری با آن که میانه خوبی با احناف و امام ابوحنیفه نداشت، در کتاب تاریخ کبیر خویش از السعیر التمیمی روایت می کند که جد امام اعظم برای حضرت علی در روز نوروز فالوده تقدیم نموده بود و امام علی فرموده بود، هر روز ما نوروز، و در روایتی پیروز باد! التاریخ الکبیر، بخاری، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ج ۴، ص ۲۰۱.

۳. در میان نویسندگان ما مشهور است که کهن ترین «نوروزنامه» را حکیم خیام نیشاپوری نگاشته است ولی تاریخ شهادت می دهد که یکی از تربیت یافتگان پیش کسوت مکتب رأی در حوزه بلخ که محمد بن علی حکیم ترمذی نام داشت بیش تر از یک قرن پیشتر از خیام کتابی به نام «نوروزنامه» نگاشته است که نسخه هایی از آن تا هنوز باقی مانده است. حکیم ترمذی در اوج قدرت و عظمت سامانیان می زیست و از دانشمندان بلند آوازه فقه و حدیث و تصوف به شمار می رفت که امام ذهبی و ابن حجر و عطار نیشاپوری و دیگران از ایشان به خوبی یاد کرده اند.

۴. با فرارسیدن هر نوروزی، حتی سلفی های ما فتوایی را بنام ابوحفص کبیر در این جا و آن جا نشر می کنند، فتوایی که می گوید اگر کسی یک تخم مرغی به کسی هدیه دهد کافر شده و عبادت پنجاه ساله او هدر خواهد رفت. این جماعت که در هر مناسبتی از «اتصال سند» و «رجال سند» و «ضبط» و «عدالت» راویان سخن می گویند، چطور شد که به یکبارگی تمامی این موازین را در زباله و آشغال ریخته اند. این روایت که سه و یا چهار قرن بعد از ابو حفص کبیر بنام ایشان تبلیغ گردیده معلوم نیست که از طرف کدام جن و پری روایت شده و یا آن که در خواب کدام فقیه و مفتی درجه سه و چهار آمده است، چطور می تواند مبنای تکفیر صد ها میلیون انسان گردد؟! من به تمامی تکفیریان مذهبی و لا مذهب چلینج می دهم روایتی را نشان دهند که حد اقل دو قرن بعد از امام ابو حفص کبیر کسی این فتوا را بنام ایشان ثبت نموده باشد.

۵. ابو حفص صغیر فرزند ابو حفص کبیر مفتی اعظم اسماعیل سامانی بود و اگر او نمی بود، شاید سرنوشت سامانیان هم دگرگون بود، و سامانیان نوروز را با شکوه و عظمت تجلیل می نمودند. ابوبکر نرسخی که در عصر سامانی تولد یافته و در همین دوره وفات یافته است، در کتاب معتبر خویش «تاریخ بخارا» می نویسد: این ده «ورفشه» را هر پانزده روزی بازار است و چون بازار آخرین سال باشد، بیست روز بازار کنند و بیست و یکم روز نوروز کنند و آن را نوروز کشاورزان گویند و کشاورزان بخارا آن حساب را نگاه دارند و بر آن اعتبار کنند و نوروز مغان بعد از آن به پنج روز می باشد. تاریخ بخارا، ص ۱۲

۶. کتاب های فقه حنفی در بخش معاملات خویش تقریباً همه از نوروز یاد کرده اند. این کتاب ها از نوروز عامه و نوروز خاصه و نوروز سلطان و نوروز دهاقین و نوروز محوس یاد نموده اند. در برخی از این کتاب ها نوروز در سیاق خرید و فروش و زمان پرداخت پول و یا تحقق عقد سخن گفته و نوروز را میعاد مناسبی برای این کار ندانسته اند، نه بخاطر آنکه نوروز حرام است، بلکه بخاطر آنکه آن مردمان چندین نوروز داشتند و دیگر اینکه تقویم شمسی دوره های نخست چندان ثابت نبود تا آن که تقویم جلالی آمد و این مشکل را حل نمود.

۷. قاضی های بزرگ تمامی دودمان های سلطنتی عباسیان، عثمانیان، سلجوقیان، سامانیان احناف بوده، دودمان هایی که همه نوروز را تجلیل می نمودند. امام ابو یوسف، امام محمد بن حسن شیبانی، امام عافیه و ده ها مفتی و قاضی القضاة دیگر را می توان به عنوان نمونه ذکر نمود. فتوای شیخ الاسلام های عثمانی در این باب تا هنوز در دسترس ما قرار دارند. تاریخ حکایت می کند که هدایای نوروزی تن ها در عصر علی بن ابی طالب مروج نبود بل که در دوره معاویه نیز رایج بود و آن چه برایم جالب است این بوده که برخی ها میلیون ها دالر صرف فیلمی در پیوند به زندگی معاویه بن ابوسفیان نموده و ایشان را معصوم می انگارند ولی یکبار هم از هدایایی که در نوروز به او می رسید یاد نمی کنند.

۸. سخن اخیر این که احناف هنگام اصدار فتوا در باب حرمت چیزی نهایت احتیاط را در نظر گرفته و اصول حدیث ایشان به مراتب قویتر از اصولی است که اهل حدیث و مذاهب دیگر به آن پابند بوده اند. به هر حال، در این باب در جای دیگری سخن گفته ایم که بزودی در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال، با آن که احادیث صحیح و صریحی در باب تحریم گوشت مرکب آمده است ولی برخی امامان گوشت خراهای اهلی را مکروه تحریمی خوانده اند نه حرام مطلق، پس چطور می شود در باب تحریم نوروز که هیچ روایتی به روایت بماند نداریم، آن را نه تن ها تحریم بل که «مرتکب» آن را تکفیر نماییم.

ما تا سال های سال با این گونه قرائت ها و تلقی های بیگانه با دین و این فشر که از استثنائات آفرینش به شمار می روند مشکل خواهیم داشت.

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور